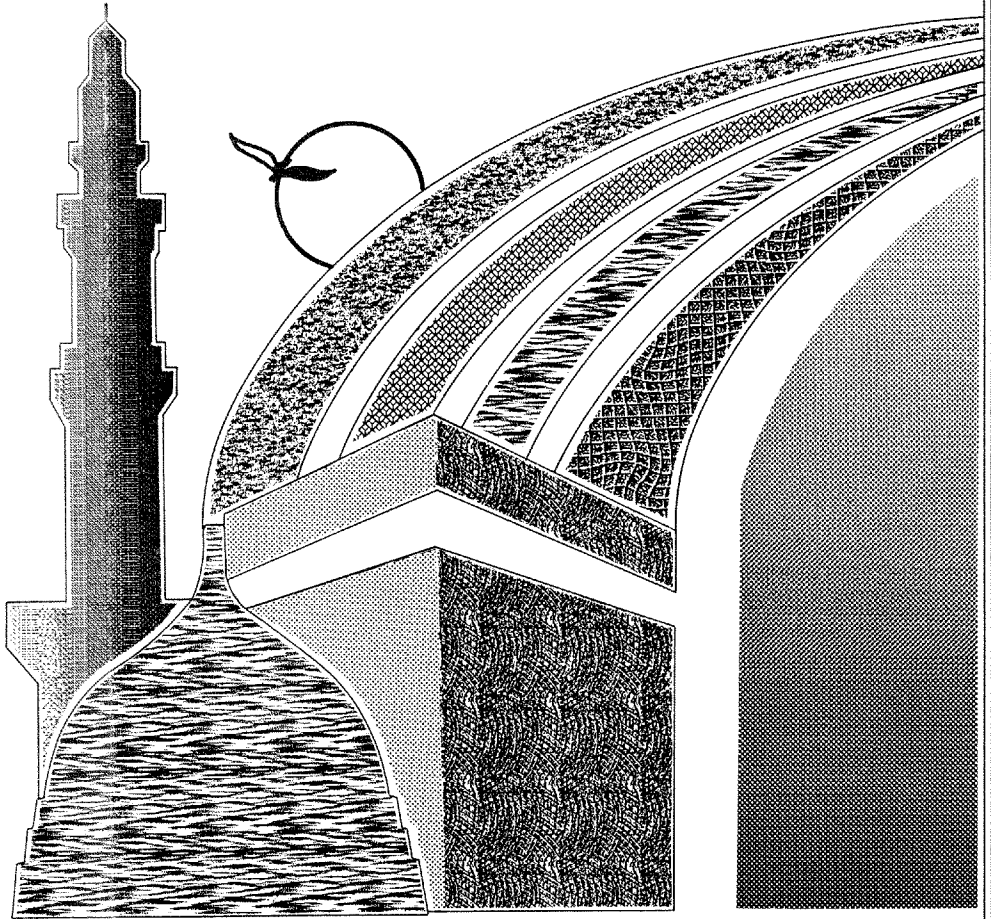
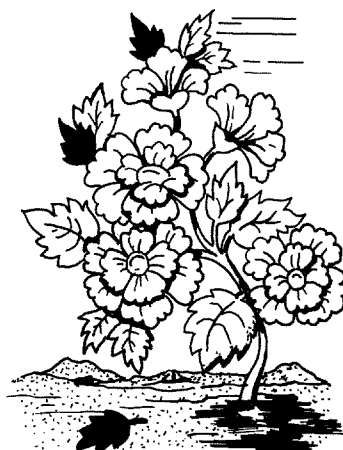


بداشت درج^۳



مقدمه ظهور امراض در مکه



ایوب صبری پاشا / به کوشش: سید علی قاضی عسگر



درآمد

در شماره‌های پیشین مجله، از ایوب صبری پاشا و کتاب‌های: «مرآة مکه»، «مرآة مدینه» و «مرآة جزیره العرب» وی که به زبان ترکی استانبولی به نگارش درآمده و از چگونگی تألیف و محتوای آن‌ها، به تفصیل مطالبی را تقدیم شما خوانندگان کردیم. عبدالرسول منشی، مترجم دارالترجمه خاصه دربار ناصرالدین شاه، به دنبال اظهار تمایل وی و به دستور وزیر انطباعات وقت، ترجمه جلد اول یعنی مرآة مکه را در سال ۱۳۰۶ ه. ق. آغاز می‌کند و دو سال بعد آن را به پایان می‌رساند. سپس توسط خطاط معروف آن زمان، آقای محمد قزوینی مشهور به «آشوری دهم» با خطی زیبا و خوش تحریر و پس از آرایش برخی صفحات با تذهیب زیبا، کتاب را به ناصرالدین شاه هدیه می‌کند.

ایوب صبری پاشا در مقدمه کتاب، انگیزه خود را در تألیف این اثر گرانشنگ چنین

بیان می‌دارد:

و بعد، چنان که در نزد ارباب عقول معلوم و هویداست، از آنجا که بلدتین طیبین به ممالک روی زمین، دارای یک نوع افضلیت مشروعه بوده و هر مسلم مقتدری را رؤیت و زیارت آن دو مقام منیف لازم است، لهذا اطلاع از فواید فضایل و استکشاف خصایص و خصایل آن دو نقطه مبارکه الزم و مخصوصاً کسانی را که،



مانند حمامه حرم محترم، در آن آشیانه فیض آستانه، مقیم و معتکف اند، ناچار و اهم است. علمای اعلام به امید تعین و اثبات این که اقطار میامن آثار حجاز، معزز و مقدس ترین قطعات ارض است، کتب متعدده تألیف و تصنیف نموده و فضایل عالیه خلقیه آن خاک عطرناک را به اخلاف خود تعریف و اعلام نموده اند و شعرای اقوام و قبایل بدویه نیز برای این که نقل و حفظ شود، قصاید بلیغه و فقرات مسجعه که تعداد آنها خارج از قوه است، در این باب انشاد نموده اند و لیکن هر یک از کتب مبسوطه مذکوره و قصاید و اشعار مرقومه در گوشه فراموشی متروک و منسی مانده است.

چون در زبان ترکی تا کنون کتاب مستقلی در این باب نوشته نشده و روایاتی که در السنه و افواه گفته می شود، با یکدیگر مخالفت و ضدیت داشت و بدین جهت وصول به حقیقت امر، یک نوع اشکال و صعوبت به هم رسانیده و بسیاری از ابنای وطن نمی توانستند به طور مقصود به فواید و فضایل آن دو بلده مسعوده المآثر اطلاع به هم رسانند، و چون به دیده فخر و مباهات مشاهده نمودم که کتب محمود السیر، عزیز الآثار، تکملة المناسک، تاریخ وهابیان، ریاض الموقنین ترجمه الشمایل - که از مؤلفات این بنده است - در سایه اعلی حضرت سلطان مظهر، رغبت و قبول اهل کمال گردید. این عاجز غیر مقتدر وجود، آن چنان اثر عظیم القدر را که موائد فوایدش غیر معدود و نظیرش تا کنون ناموجود بود لازم دید. بناء علیه، وقایع مکه مکرمه و مدینه منوره را که اوایل احوال آنها در کتب عتیقه موثوقه مسطور و تفصیل حالات آنان زینت بخش انتظام سطور است، ضبط و استکنا نموده، عادات و اعتقادات اهل جاهلیت و قواعد و نظامات اعراب عصر را به مندرجات رسایل نادره عربیه و مجامع فاخره فارسیه، که به دستگیری اقلام فحول صحیفه سرای تألیف و تصنیف شده است، امرار نظر نموده و از فحاوی کتب معتبره مذکوره، فوایدی را که استنباط کردم، جزء نافع به ملت معظمه اسلام را نشر و تعمیم نموده، وقوعات ماضیه و احوال تاریخیه، قطعه جسمیه حجازیه را در یک جلد مخصوص جمع نموده و برای تقدیم و پیشکش نمودن به هموطنان، نوشتن یک تاریخ ترکی العبارة را تصور و خیال نمودم.

و چون ترتیب و تنظیم خاطره ای که به خاطر، تبادر نموده بود و تدقیق احوال و اقوال مختلف المآل مواقع یشرب و بطحا با نداشتن سرمایه و بضاعت، موقوف بر

این بود که شخص حکماً ارضای مسعودهٔ حجاز را سیر و سیاحت کند. بناءً علیه موانعی که در اجرای این مقصود پیش آمد این عاجز را از نیل به آرزوی خویش بازداشت.

بالآخره سیاحت آن جانب فیض جوانب مقدر و شاهد خوشخرام مقصود در آینه تیسر و امکان جلوه گر آمد و چون به دلایل عقلیهٔ قطعیه و براهین نقلیهٔ قویه، ثابت و مبرهن بود که اگر این تصورات خیریه از قوه به فعل در آید ولو این که جزئی هم باشد، اهل ایمان از آن استفاده خواهند کرد. لهدا به استظهار این که خطایای واقعهام را مروتمندان زمان تصحیح و اصلاح خواهند کرد در ایفا و اجرای مافی الضمیر دوام و ثبات نموده و این حطب عظیم و امر کریم را که فوق قوت و اقتدارم بود، به عهدهٔ خود گرفته و در این عهد ترقی، که در سایهٔ توجه اعلی حضرت سلطان عظیم الشأن، عبدالحمید خان ثانی طریق هدایت قرین حرمین محترمین از بیم و هراس حرامیان عاری بوده و هر گونه امن و امان در آن امکانهٔ مبارکه جاری و ساری است، لازم دید که آن اثر جمیل سابق الذکر را که باعث دعای خیر است، جمع و ترتیب کرده، کتب آتی الذکر را مأخذ اتخاذ نموده از ادبیات عثمانیه و مخصوصاً از رساله‌ای که شامل تدقیقات دکتر رائف افندی است مباحث مناسب و مهم را نقل و درج نموده، به عون و عنایت هادی سُبُل توکل، و به نصرت روحانیهٔ سلطانِ رُسلِ توَسَلِ جسته، از ابتدای خلقت بیت‌الله به تحریر وقایع شروع نموده و مفصلات اقوالی را که در حق مواقع متبرکه تفتیش و تحقیق شده و در کتبی که آنها را مأخذ اتخاذ نموده‌ام مطالعه و یا آن که به رأی‌العین دیده‌ام تا این عصر، علی و تیره‌الاجمال نگاشته و به امید این که کسانی را که فریضهٔ حج شریف را ایفا نموده‌اند وسیلهٔ تکرر شده و از موحدینِ اخلاص قرین، آنانی را هم که حسرت‌کش وصال کعبه‌الله‌المتعالم هستند، ترغیب و تهییج نماید.

این ذخیرهٔ ناچیز را به سه جزء تقسیم و به «مرآة الحرمین» توسیم نموده، در نهایت سادگی و سلامت، که مطالعه کنندگان را مفید افتد. جمیع اشکال بعض مواقع و مآثر و نقشه‌های مسطحهٔ حرمین محترمین را ثبت و ضبط نموده و به حضور عدالت‌نشان اعلی حضرت سلطان عظیم الشأن عرض و تقدیم نمود. اگر چه اعتماد ندارم که در مقابل مؤلفات عدیدهٔ عثمانیه، که حیرت‌بخش عقول



هستند این اثر محقر من مظهر پذیرایی و قبول گشته و مطالعه ثانوی را ارزش و شایستگی داشته باشد ولیکن چون در عصر آن چنان پادشاه فاروق شعار مقصود عمده‌ام خدمت به ابنای وطن است، لهذا اگر شایسته آن دانند که از لحاظ انور مبارک گذرد، این لطف بی‌عدیل، محض آن است که این بنده را شرمنده و محجوب نفرمایند و از مطالعه کنندگان این اثر عجزگستر متمنی آنم که سهو و خطایای این ذخیره کم‌ها را به نظر اغماض دیده و از غلطات واقعه آن اعراض فرمایند. و من الله التوفیق

ایوب صبری پاشا، بخشی از کتاب مرآةالحرمین را به مسائل بهداشتی حاجیان اختصاص داده تحت عنوان «اسباب ظهور امراض در مکه» مطالب قابل توجهی را ذکر کرده است. گرچه برخی از این نکات در شرایط کنونی مصداق پیدا نمی‌کند، لیکن اطلاع از آن برای دانشمندان و فرهیختگانی که تاریخ گذشته این سرزمین مقدس را پی‌گیری و دنبال می‌کنند خالی از لطف نیست. امید آن که خوانندگان محترم را مفید و مقبول افتد.

اسباب ظهور امراض در مکه

حالت می‌گذاشتند و اکثر کسانی که در مراجعت از عرفات که برای رمی جمرات، به منا نازل^۴ می‌شدند. مزخرفات قربانی‌ها را در مقابل چادر گذاشته، و کسانی هم که عوض گوسفند، بز قربانی می‌کردند، جسد آنها را تماماً در محلی که بریده بودند گذارده، و اجساد شترانی را هم که در عقب جمره بزرگ نحر^۵ کرده بودند، در محل ذبح می‌گذاشتند، از مزخرفات راه عمره، و

در اوایل، حجّاجی که با محمل شام می‌آمدند، روی چاه‌هایی که در راه عمره است و حجّاج محمل^۱ مصر نیز در مقابل موقع شیخ محمود نام، رکز خیام^۲ نموده، در مدت اقامتشان مزخرفات^۳ گوسفندانی را که قربانی می‌کردند، همانطور گذاشته و نمی‌پوشانیدند و لاشه‌های شتر و اسب و سایر حیوانات را، که به واسطه خستگی راه تلف می‌شدند، در میان چادرها، به همان

تکلیف مالایطاق^{۱۶} دیده شده، و می‌گفتند ماها که در این مکان به طور دوام اقامت نخواهیم نمود.

عاقبة الأمر معلوم شد که مرض خُما^{۱۷} (خُمی)، و حالت قی و صداع^{۱۸}، و این قسم امراض، از عدم دقت به نظافت و طهارت حاصل می‌شود.

بناءً علیه به ملاحظه این که، اسباب راحت و حضور حجاج ذوی الابتهاج، تدارک کرده شود، به امر و اراده مرحوم سلطان عبدالحمید خان^{۱۹} در سال یک‌هزار و دوپست و شصت و هفت، برای حجاجی که با محمل شریف آمده، و در راه عمره و ساحة شیخ محمود، رکز خیام می‌کنند، حفرات مخصوص به القای مزخرفات کنده شده و لاشه و مزخرفاتی که جیادت^{۲۰} هوا را اخلال کند، ابدأً در مواقع مزبوره^{۲۱} ت

رک نمی‌شود. با این که فی‌زماننا هذا، اکثر حجاج بحرأ^{۲۲} آمد و رفت کرده، و قوافل محامل شریف آن قدرها ازدحام ندارد، باز از سال مذکور، برای دفن مزخرفات حجاجی که از عرفات برگشته و در منا ذبح قرابین^{۲۳} می‌کنند حفرات^{۲۴} بسیار کنده شده، بحمد الله تعالی اکنون در محلات شهر شهر شهبیر مکه معظمه، به قدر ذره‌ای عفونت معلوم [استنباط] نشده،

ساحة^۶ شیخ محمود که در میان چادرها ترک می‌شد، و از زباله‌هایی که در میان کوچه‌های محلات جمع می‌شدند، طوری عفونت حاصل می‌گردید که اکثر اوقات عابرین، از رایحه کریبه^۷ آن‌ها عاجز و ناچار می‌ماندند و اکثر کسانی که در داخل خیام مقیم بودند به ناخوشی‌های صداع مفرط^۸ و به هم خوردگی دل، و انقلاب مزاج مبتلا می‌گشتند.

در منا از اجساد حیوانات [قربانی‌های] مذبوح^۹ که در میان چادرها ترک می‌شد، عفونتی حاصل می‌گردید که به وصف نمی‌آید.

حجاج بیچاره، در آن چنان جای گرم، و در میان تعفن فوق‌الطافه [فوق‌العاده] سه روز تمام معذب بوده، در ظرف این مدت هیچ وقت از حالت استفراغ و خوف هلاکت، آسوده نبودند. به تصور این که در آن جای کدر فرسا،^{۱۰} حجاجی را که برای اکمال نسک حج،^{۱۱} سه روز متوالیاً^{۱۲} اقامت دارند از مخاطرات مضره ملحوظه^{۱۳} مستخلص سازند، در مقابل چادر هر کس چاهی کنده شده، و حجاج را قدغن شد که مزخرفات قربانی‌هایی را که می‌گشتند به آن حفره‌ها القا^{۱۴} کنند، ولی این تدابیر حسنه، در نزد حجاجی که از اجناس مختلفه^{۱۵} بودند،



حجّاج مسلمین وسکنه بلدالأمین، از این رو فارغ و آسوده گشته‌اند مع مافیة، چون این اوقات اکثر اشخاصی که به حج می‌روند، از جهله ناس^{۲۵} بوده و نمی‌دانند که هر کس باید به قدر امکان، در مکان‌های گشاده و هوادار اقامت کرده، و برای حفظ وجود [صحت] منازل خود را به نظافت و طهارت دائمه نگاه دارند. بناءً علیه برای تهوین مصرف^{۲۶} هفت و هشت نفر از آنها، در اطاق [هایی] که کرایه‌اش خیلی کم است و از هیچ منفذی هوا نمی‌گیرد جمع شده و منزل می‌کنند و هر روز در روی منقل طبخ کرده، و گذشته از این‌ها، برای بردن به اوطان خود عطریات نیز تدارک می‌نمایند. مزخرفات اطعمه‌ای را که می‌خورند، در مقابل اطاق‌ها می‌ریزند و این مزخرفات به واسطه رطوبت پوسیده، تعفّات شدیده از آن‌ها حاصل می‌شود و چون غفلت دارند [غافل هستند] که این حالات سبب علل و اسقام^{۲۷} عدیده بوده و هر یک علی طریق المناوبه^{۲۸} ناخوش شده و از شرف زیارت اکثر اماکن مسعوده محروم می‌مانند؛ زیرا که از یک طرف هر آن سخونت^{۲۹} موسم زیاد شده و از طرف دیگر رایحه اطعمه که در روی منقل‌ها پخته می‌شود و حرارت آتش، اطاق‌ها را مانند حمام گرم می‌کنند و

آب‌های ملمع به روغن^{۳۰} و مزخرفات اطعمه را روی هم ریخته، به واسطه رطوبت در اندک مدّت پوسیده و تعفّات زیاد می‌کند و اقسام حما و سایر ناخوشی‌های مهلک حاصل آمده، ناخوشی یکی از هم‌نشینان [هم حجره‌ها] به دیگران نیز سرایت نموده، همه را در آن واحد مضطرب و پریشان می‌کند. اگر چه نظر به این تعریف همیشه باید در مکه مکرمه ناخوشی حما موجود بوده، و از این رو اکثر حجّاج مشرف به هلاکت بشوند ولی چون هوای آن موقع مقدّس یابس^{۳۱} و جید^{۳۲} و سالم است و مانند مواقع مرطوبی صعودات و خیمه ندارد، لهذا به لطفه تعالی، حمای مهلک بسیار کم دیده می‌شود. اگر چه کافه ناخوشی‌های قطعه مسعود حجاز از نوع حما بوده ولی این ناخوشی‌ها در زمان قحط^{۳۳} شدت پیدا می‌کند بالعکس اگر باران ببارد، ناخوشی‌های موجوده را، بالکلیه زایل می‌سازد؛ زیرا وقتی که باران کم ببارد مزخرفات و قاذوراتی^{۳۴} را که در اطراف محلات جمع شده است خیسانده،^{۳۵} و به تأثیر حرارت آفتاب این آرایش پوسیده، و به طرز بخار بعض مواد مضرّه از آنها به هوا صعود می‌کند. مواد سابقه‌الذکر با این که از

محتمل الوقوع بود به قانون حفظالصحة کاملاً نابود نموده، و اکنون در خاک تابناک کعبه‌الله به هیچوجه اسبابی نیست که حما و علل سائره را علت بشود.

نصیحت حجّاج

از آن جا که لازم است که اکل و شرب و خواب و بیداری و حرکات و سکنت^{۳۹} انسان، موافق عادت و طبیعت مملکتی باشد که به آب و هوای آن جا پرورش یافته و بزرگ شده است لهذا شخصی که از مولد و وطن خویش مفارقت کرده و مخصوصاً به جانب حجاز احرام بند اعزام می‌شود باید اسبابی را تهیه کند که وجود خود را از مخاطرات مهلکه برهاند و در وطن خود وجود خویش را هر قسم که عادت داده است، در مدت سیاحت هم، همانطور گذران نماید که تبدلات و تغییرات^{۴۰} ظاهره ضروریه، وجود او را نیاززده و به ناخوشی‌های وخیم دچار نکند. چون بعضی از اهالی بلاد بارده^{۴۱} این ملاحظات را ندارند، لهذا در نقطه مقدسه حجاز، به انواع علل و امراض گرفتار شده، بالطبع از شرف زیارت برخی از اماکن مسعوده محروم می‌شوند؛ چون مسافرین به نیت سیاحت قطعه‌ای از وطن خویش درآمده‌اند، که ابداً

تأثیر آفتاب محو می‌شود ولی شب‌ها مانند شب‌نم پایین آمده، متأثرین را مبتلا به علل و امراض می‌کند و اگر باران زیاد ببارد، سیلی که در راهها حاصل می‌شود مزخرفات متراکمه را به جاهای دور و دراز می‌برد و در هیچ جا اثر عفونت باقی نمی‌ماند.

در اوائل در طرف معلی^{۳۶} حوضی بسیار بزرگ و ویران و قدیمی به نام «برکه مصر» موجود بود که سزاوار بود آن حوض بزرگ را منبع انواع حما نامند و معتاد بود که مزخرفات بیوت محلات همجوار و لاشه حیوانات مانند اسب و شتر و گربه و سگ که در اطراف هلاک می‌شدند، به این حوض انداخته شود چون باران می‌آمد آب‌هایی که در حوض مذکور متراکم می‌شد، مواد مزبوره را به واسطه حرارت آفتاب پوسانیده و بخاراتی که از آن صعود می‌کرد به اطراف منتشر می‌گردید. صفوت و جیادت^{۳۷} هوای آن طرف را اخلال کرده، و ناخوشی حمای مهلک از این رو حاصل [ظاهر] می‌شد.

خدای رحمت کناد صاحب تصانیف لاتحصی^{۳۸} مرحوم مصطفی حامی‌پاشا، هنگامی که یاور امارت جلیله بود، حوض مزبور و مزبله‌هایی را که در جوار آن بود به سنگ و خاک پر کرده، اسباب ظهور ناخوشی‌هایی را که در مکه مکرمه



بنابراین حاجیان باید در نزد خود لباس زمستانی هم داشته و موافق هوای هر موقع لباس پوشند و در حفظ صحت وجود، منتهی [نهایت] درجه دقت و بذل، مجهود^{۴۶} کنند [مرعی دارند] و در معاودت به عبث^{۴۷} ناخوش و گرفتار نشوند.

حب‌های^{۴۸} ملین، ادویه منقبض و چای و سایر چیزها باید همراه داشت. خواه در دریا و خواه در صحرا، صبح و شام صرف چای باید کرد، اگر ممکن باشد شام و نهار شوربا و اطعمه مطبوخه^{۴۹} بخورند و از خوردن میوه و طعام به حالت دلتنگی؛ یعنی از تغییر عادت تناول طعام احتراز نمایند. اگر در طبیعت لینت و یا انقباض حاصل شود، باید بیست و چهار ساعت نگذشته [نگذرانده] از خود دفع کنند.

در حالتی که در کشتی به تأثیر گرما یا سرما، انحراف مزاج طاری شود، از این که انسان ناخوش شده و به آرزوی خود نرسد بهتر و مناسبتر آن است که تنخواه^{۵۰} را اعتنا و اهمیتی نداده و به موقع کشتی داخل شود؛ زیرا تنخواهی که در امر حفظ صحت وجود صرف شود، چنان که در فوق ذکر شد، داخل تنخواهی است که برای ایفای حج تدارک و اذکار شود. اگر چه شبهه‌ای نیست که حضرت حافظ حقیقی، حفظ و حراست

آنجا را ندیده‌اند. بناءً علیه، در بحر و بر^{۴۲} از بی‌مناسبتی سرما و گرما و شدت و ضعف و خواب و بیداری، به کلی بی‌راحت^{۴۳} و حضور می‌مانند؛ مخصوصاً در باب اطعمه زحمت زیاد کشیده و در امر مهم حفظالصحة عاجز می‌مانند. این حالت در وجود انسان تبدلات عظیمه را باعث [منتج] شده، معده و مزاج را افساد و اخلال می‌کند؛ زیرا که هر کس موافق طبیعت بلده خود [زندگانی کرده] نشست و برخاست نموده و اکل و شرب می‌نمود، در این راه حرارتی را خواهد دید که در مملکت خود ندیده و سی منزل علی‌التمادی^{۴۴} پنیر و زیتون خواهد خورد.

اگر چه بدیهی است حجاج هنگام وصول به مکه مکرمه و مدینه منوره، از جیاد و صفوت^{۴۵} هوا استفاده خواهند کرد ولی چون به طبیعت و هوای خطه حجاز اطلاعات سابقه ندارند، تحمیل عبادت فوق العاده و اکل اطعمه و میوه‌های مختلف می‌تواند برای حاجیان مخاطرات زیاد تدارک کند. اگر چه به واسطه آثار صحیحه و اخبار متواتره ثابت است که در حرمین اجر عبادات مضاعف می‌شود ولی چون طاعات رب احد، به صحت وجود مستند است، لهذا زنده داشتن وجود هم اهم و الزم است.

بوده، عموم اطعمه چرب و شیرین و نفیس می‌شوند و این‌ها برای حاجیان مضرت دارد. از نان روغنی و شیرینی و اطعمه که ادویه و روغن زیاد دارد باید احتراز کرد. باید بسیار کم خورد و اگر فسادی در معده روی دهد بدون فرصت به واسطهٔ سدلج دفع [تصحیح] فساد معده باید کرد.

چون برای کسانی که فربه هستند انقباض مضر است. باید به این نکات هم عطف نظر دقت، و معده را از خوراک‌های مفسد نگاه داشت. فساد معده از خوردن خوراک‌های مختلف متولد و شدت حرارت هوا هم انسان را به خوردن آب زیاد وامی‌دارد به این لحاظ از خوردن خوراک‌های نامناسب [بی‌مناسبت] و لزوم و آشامیدن آب زیاد احتراز باید نمود و گاه‌گاهی چایی باید صرف کرد و طبیعت را حالت انقباض نیاموخت.

خواه شام و خواه نهار را باید بسیار کم خورد. در گرما و مخصوصاً در تابش آفتاب نباید خوابید و هر طعمی که نافع معده باشد او را بایست صرف کرد. از چیزهایی که باید دقت کرد؛ یکی هم استیجار اطاق‌ها است. اطاقی که برای اقامت انتخاب می‌شود باید در محلّ هوادار و یا در مرتبهٔ بالا و یا وسط ابنیه واقع شده، در یک اطاق زیاده از سه

خواهد نمود ولی تشبّث [توسّل] به اسباب هم، در هر چیزی شرط اعظم بوده، هنگام دخول به احرام نباید در زیر هوا خوابید و در وصول به جدّه نباید یک دفعه اطعمهٔ غیر مناسب خورد. برای تقویت معده و وجود، باید شوربایی خورد که از آب‌گوشت پخته شده باشد، و میوه‌هایی را که در مملکت خود شخص، پیدا نمی‌شود، نباید میل نمود. از زیاد خوردن نان روغنی و خرما، در هر حال احتراز باید کرد. اگر در معده و وجود،^{۵۱} علامات ناخوشی ظاهر شود، بلا تأخیر باید به اطبایی که وقوف کامله به آب و هوای آن‌جا دارند مراجعت کرد و هر چه امر نماید بدون کم و زیاد عمل نمود [کرد].

هنگامی که از جدّه عزیمت به مکه می‌شود باید به خوردن شوربا و پلو و لیمونات^{۵۲} مداومت کرد و از خوردن زیتون و پنیر مجانبت^{۵۳} نمود و هنگام سوار شدن به شتر و یا پایین آمدن از او، محض این که عضوی از اعضا رنجیده نشود، باید عاقلانه حرکت کرد.

در وصول به مکهٔ مکرمه بعد از اكمال سعی و طواف از احرام خارج می‌شوند، از طرف آقایان سقاها و دلیل‌ها مهمانی داده می‌شود، این ضیافت در منتهای تکلف



که این‌ها نیز صحّت وجود را معاونت و همراهی می‌کند، اگر چه هنگام اقامت در منا ضرری ندارد که شخص کباب بی‌چربی تنها و پلویی تناول کند که به [با] آب‌گوشته پخته شده باشد ولی چون قاوورمه^{۵۶} و سایر خوراک‌های لحمی مضرّ است. لهذا گوشت‌هایی را که در این موقع مقدّس صرف می‌شود، باید از عرفات و یا مکه معظّمه آورد؛ زیرا چون در صحرای منا، سنای مکی^{۵۷} زیاد است. گوشت حیواناتی که در این صحرا می‌چرند اسهال می‌آورد. چون در بین حرمین باید به طور دوام راه رفت، قبل از حرکت از مکه مکرمه و یا مدینه منوره، باید مقدار کافی قاوورمه و برنج تدارک نمود که در میان راه شوربا و برنج و پلو و لیمونات تناول کرد.

نفر نباید بیتوته کند و در داشتن عرق، از خوردن آب اجتناب باید نمود و شب‌ها در بام‌ها نخواییده، باید استحمام کرد؛ زیرا وجود کسانی که در قطع حجاز می‌باشند زیاد عرق می‌کنند و از این عرق در سطح جلد چرک حاصل می‌شود که مسامات جلدیّه^{۵۴} را بسته و نمی‌گذارد عرق به خارج خروج و ترشح کند، لاجرم در روی جلد مانند دانه‌های ارزن یک نوع دانه‌های قرمز پیدا می‌شود. برای این که این دانه‌ها دُمَل^{۵۵} نشود لاقلاً باید هر هفته دو و سه دفعه استحمام کرد و زود زود البسه خویشت را عوض نمود.

در وادی عرفات و مزدلفه و منا باید در زیر چادر نشست. میوه و اطعمه مضرّه تناول ننمود و در تابش آفتاب حرکت نکرد

● پی‌نوشتها:

- ۱- کجاوه.
- ۲- خیمه به پا کردن.
- ۳- زواید و اضافات.
- ۴- فرود می‌آمدند.
- ۵- قریانی.
- ۶- صحن خانه: فضای خالی میان خانه‌ها که ساختمانی در آن نباشد.
- ۷- بوی بد و ناپسند.

- ۸- سردرد شدید.
- ۹- سربریده شده.
- ۱۰- تیرگی آفرین.
- ۱۱- به پایان بردن اعمال و مناسک حج.
- ۱۲- پی در پی.
- ۱۳- خطرهای زیان بار ذکر شده.
- ۱۴- انداختن و افکندن.
- ۱۵- نژادهای گوناگون.
- ۱۶- آن وظیفه که بیش از توان و طاقت است.
- ۱۷- تب.
- ۱۸- سردرد.
- ۱۹- سی و چهارمین پادشاه عثمانی.
- ۲۰- خوبی و پاکی هوا.
- ۲۱- ذکر شده.
- ۲۲- از راه دریا.
- ۲۳- جمع قربانی است و به معنی آن چیزی است که مثل گاو و گوسفند و شتر در راه خدا قربانی می‌کنند.
- ۲۴- گودالها.
- ۲۵- بی‌سوادان و مردم کم اطلاع.
- ۲۶- کم شدن هزینه و مخارج سفر.
- ۲۷- بیماریها و ناراحتی‌ها.
- ۲۸- به نوبت.
- ۲۹- گرمی و حرارت.
- ۳۰- مخلوط با روغن.
- ۳۱- خشک.
- ۳۲- پاک و نیکو.
- ۳۳- بی‌بارانی.
- ۳۴- مردار و پلیدی.
- ۳۵- در آب خوابانده و نم زده.
- ۳۶- همان جاکه قبرستان ابوطالب واقع است.
- ۳۷- پاکی و پاکیزگی.
- ۳۸- نویسنده کتابهای بی‌شمار و یا سراینده اشعار فراوان.
- ۳۹- جمع سکنه و به معنای وضع و حالتی که انسان در آن قرار دارد آمده است.



- ۴۰ - دگرگونیها و تحولات.
- ۴۱ - کشورهای سردسیر.
- ۴۲ - دریا و خشکی.
- ۴۳ - بدون آرامش و راحتی.
- ۴۴ - مرتب و پیوسته.
- ۴۵ - پاکی و تمیزی هوا.
- ۴۶ - کوشش.
- ۴۷ - بی‌جهت و بی‌هوده.
- ۴۸ - قرص.
- ۴۹ - پخته شده.
- ۵۰ - پول و کالای همراه.
- ۵۱ - بدن و جسم آدمی.
- ۵۲ - شربت‌هایی که با شکر و قند و آبلیمو تهیه شده باشد.
- ۵۳ - اجتناب و پرهیز.
- ۵۴ - سوراخ‌های زیر پوست بدن که عرق از آنها خارج می‌گردد.
- ۵۵ - غده‌های چرکی که زیر پوست بدن ظاهر گردد.
- ۵۶ - خورشت همراه با گوشت و یا گوشتی حیوانی که بر اثر حرارت آفتاب خشک شده باشد.
- ۵۷ - به فتح سین، گیاهی است دارای برگ‌های باریک شبیه به برگ حنا، گل‌هایش کبود رنگ، دانه‌های آن ریز و در غلافی شبیه غلاف باقلا جادارد. بیشتر در حجاز می‌روید و بهترین آن سنای مکی است. برگ آن در طب مانند مسهل، استعمال می‌شود. در معالجه امراض ضیق‌النفس و قولنج و عرق‌النساء نیز به کار می‌رود.

